

# تحت نظر مسکو

## هلن ریچارد

خانم اسوتلانا تیخانوفسکایا، که مدعی پیروزی در آخرین انتخابات ریاست جمهوری بلاروس در برابر رئیس جمهوری لوکاشنکو – که رسماً گویا با ۸۰ درصد از آراء تجدید انتخاب شده- هنگام برگزاری یک کنفرانس ویدیویی با نمایندگان اروپایی در ۲۵ اوت گذشته با بیان این که: «این یک انقلاب دموکراتیک است، نه ژئوپولیتیک»، می خواست پیامی برای بروکسل و مسکو بفرستد: و این نکته را تفهیم کند که بلاروس اوکراین نیست. کشور همسایه ای که آمیخته ای از اعتراضات، سرکوب خشن و مداخلات خارجی روسی-غربی در آغاز سال ۲۰۱۴ آنرا به جنگ داخلی کشاند و به الحاق کریمه توسط روسیه منجر شد.

برگردان شهباز نخعی HELENE RICHARD نویسنده

این درحالی است که رویدادهایی در حافظه منطقه ثبت شده است. در سال ۲۰۱۸، انتخاباتی صلح آمیز رئیس دولت ارمنستان را به استعفا واداشت. این امر راه تازه ای برای مسکو گشود که در وهله نخست به عنوان ناظر محتاط جنب و جوش مردمی ای که آقای سرژ سرکیسیان را به قدرت رساند درآمد – در آن زمان یک پنجم شهروندان در خیابان بودند، و درحالی که کشور دستخوش انسداد سیاسی و اقتصادی تقریباً کاملی بود-، دولت روسیه یک هیئت نمایندگی به ارمنستان فرستاد تا نظرات رهبر مخالفان پیش از آن که نخست وزیر شود را جویا گردد (۱). آقای نیکول پاشینیان، که پیشتر به عنوان نماینده اپوزیسیون انتقاداتی علیه «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» ابراز کرده بود، خواست به مسکو درمورد قصد خود برای حفظ توافق های اصلی اقتصادی و نظامی مربوط به دو کشور اطمینان دهد.

قیام بلاروس از همان آغاز از جهات مختلف به جنبشی که دو سال پیش ارمنستان را تکان داد شباهت دارد. معترضان بلاروسی هم مانند معترضان ارمنی، نخستین هدفشان رها شدن از چنگ یک دیکتاتور بود و قصد تجدیدنظر در اتحادهای ژئوپولیتیک را نداشتند. بلاروسی ها با آن که از نظر تعداد کمتر هستند، در سطحی بی سابقه بسیج شده اند و به رغم سرکوب خشن، مسالمت آمیز بودن تظاهرات خود را حفظ کرده اند. همچنین، آنها از هرگونه همناوایی با اروپایی ها خودداری می کنند. شورای هماهنگی تشکیل شده توسط خانم تیخانوفسکایا در ۱۹ اوت، از پذیرش کمک مالی کمیسیون اروپا خودداری کرد: این پیشنهاد کمک مبنی بر این بود که بخشی از منابع حمایتی مختص بلاروس برای کمک به «قربانیان سرکوب»، «رسانه های مستقل» و «جامعه مدنی» اختصاص یابد.

نخستین واکنش های دو قدرت بزرگ اروپایی؛ فرانسه و آلمان، در قیاس به واکنش های ابراز شده درباره دیگر بحران های اخیر تند بود. آقای امانوئل ماکرون که از تابستان ۲۰۱۹ (۲) سرگرم «مذاکراتی سازنده» با مسکو است، خانم تیخانوفسکایا را به عنوان رئیس جمهوری مشروع در تبعید به رسمیت نشناخت، درحالی که این کار را برای مخالف ونزولایی، خوان گوآیدو کرده بود. برلن و پاریس به مسکو به چشم یک میانجی می نگرند. وزیران امور خارجه کشورهای اروپایی درمورد حداقلی از مجازات و تحریم ها نسبت به ۴۰ تن از شخصیت های مسئول سرکوب توافق کرده اند، اما این با اقداماتی که در پی انتخابات سال ۲۰۱۰ انجام داده بودند – که تصویب آن به خاطر وتوی قبرس به تأخیر افتاد – تفاوت بسیار دارد. مسمومیت آلکسی ناوالنی، مخالف روسی، که به برلن انتقال یافت و در آنجا تشخیص داده شد که با نوعی سم دارای منشأ نظامی موثر بر روی اعصاب مسموم شده، می تواند صدراعظم آلمان، و در پی او پاریس، را وادارد که به موضع مبارزه جو تر لهستان و کشورهای بالتیک نزدیک شوند. این کشورها ورود حدود ۳۰ تن از شخصیت های بلاروس، از جمله

آقای لوکاشنکو را به خاک خود ممنوع کرده و پیروزی خانم تیخانوفسکایا را به رسمیت شناخته اند

در حال حاضر، روسیه دلبستگی خاصی به آقای لوکاشنکو نشان نداده و در عین منتفی دانستن مشارکت «سازمان امنیت و همکاری در نظارت بر انتخابات جدید (به پیشنهاد (OSCE)» های اروپا فرانسه)، رهبر بلاروس را به انجام اصلاحات در قانون اساسی ترغیب کرده است. این کار با این امید است که پیش از برگزاری انتخابات جدید، جانشینی که با منافع مسکو هماهنگی داشته باشد ظهور یابد.

در حال حاضر، مسکو به این اکتفا می کند که تا حد ممکن از ضعیف شدن آقای لوکاشنکو منافع کوتاه مدت ببرد. پس از سفر نخست وزیر روسیه به مینسک، رئیس جمهوری بلاروس هم در ۱۴ سپتامبر به سوچی سفر و با پوتین دیدار کرد. مذاکرات حساسی انجام شد. پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، مینسک به طور محرمانه دکترین نظامی خود را تغییر داد تا بتواند جلوی بی ثبات سازی بالقوه روسیه بر مبنای مدل دونباس را بگیرد و نسبت به «غرب» روی خوش نشان داد. با این کار، اتحادیه اروپا تقریباً همه تحریم ها علیه بلاروس را در سال ۲۰۱۶ لغو کرد و برنامه کمک خود را از سر گرفت (۳). از این هم بهتر: در فوریه گذشته، آقای لوکاشنکو پذیرای مایک پمپئو، وزیر امور خارجه امریکا شد که این امر برای نخستین بار از زمان به قدرت رسیدنش در سال ۱۹۹۴ بود.

این بی وفایی ها موجب رنجش مسکو شد. اکنون مسکو می خواهد «امتیازات بیشتری به همان بهای پیشین» بگیرد، زیرا اقتصاد بلاروس هم بر اثر تحریم های غربی و هم به خاطر سقوط بهای نفت خام آسیب دیده است. کمک های روسیه به اقتصاد بلاروس در (PIB) کاهش زیاد یافته و از ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۱۳، به ۱۰ درصد رسیده است (۴). در سال ۲۰۱۹، برای

نخستین بار، مسکو از تمدید بدهی بلاروس خودداری کرد. در همان سال، تصویب قانونی در مورد مالیات سوخت های فسیلی، مینسک را از برخورداری از قیمت ترجیحی نفت محروم کرد که این امر عدم نفعی که ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار در سال برآورد می شود داشت. در حاشیه همایش اقتصادی بین المللی سن پترزبورگ، در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۹، وزیر دارایی روسیه از جبران این عدم النفع بدون «انجام مجموعه ای از اقدامات درباره پیوستن به یک توافق نامه اتحاد» خودداری کرد. در واقع، مسکو کمک خود را منوط به پیشرفت هایی مشخص در برنامه ایجاد یک کنفدراسیون - با مقررات مالیاتی، پولی و نهادهای سیاسی مشترک- که از سال ۱۹۹۹ جریان دارد، می کرد. رهبران دو کشور محتوای کنونی این گفتگوها را به صورت قطره چکانی منتشر می کنند. پس از دیدار ۱۴ سپتامبر، آقای ولادیمیر پوتین وعده یک اعتبار ۱.۵ میلیارد دلاری به مینسک داد و ادعا کرد که متقابلاً خواستار امتیازهایی اساسی نشده است. امری که به زحمت می توان باور کرد.

اما، عوامل بسیاری فرض سناریوی کناره گیری آرام رئیس جمهوری را بعید می کند. در درجه اول، مسئله اهمیت امنیتی بلاروس برای روسیه است: این کشور در خط اول رودرویی با «سازمان پیمان اتلانتیک شمالی» (ناتو) است و به این خاطر عاملی اساسی در راهبرد دفاعی روسیه است: مسکو که در سال ۱۹۹۲ توافق نامه امنیت جمعی را امضاء کرده، در پی ورود لهستان و در پی آن کشورهای بالتیک به سازمان ناتو و به کارگیری سامانه ضد موشکی آمریکا در لهستان و رومانی، توافق های نظامی بسیاری با مینسک منعقد کرده است. این دو کشور که همکاری های نظامی زیادی داشته اند، رزمایش های مشترک گسترده ای برگزار کرده اند که آخرین آن «زپاد» در سال ۲۰۱۷ بوده است. به علاوه، روسیه دو پایگاه نظامی در بلاروس دارد که یکی از آنها «هانتساویچی» مجهز به سامانه هشدار ضد موشکی روسی است (۵)

تقویت حضور آمریکا در لهستان – که قرار است ۱۰۰۰ سرباز دیگر از آلمان به آن انتقال یابند و به نیروی چرخشی ۴۵۰۰ تنی کنونی آن افزوده شوند-، بر اهمیت نقش حایل مینسک می افزاید. این امر از آن جهت است که مرز بلاروس تنها ۵۰۰ کیلومتر با پایتخت روسیه فاصله دارد. در ۲۷ ماه اوت، هنگام یک گفتگو با شبکه تلویزیون دولتی روسیه ۲۴، آقای پوتین تأکید کرد که نیروهایش «در صورت از کنترل خارج شدن عوامل افراطی (...)

و این که از حد و حدود معینی فراتر روند و به آتش زدن خودروها، خانه ها، بانک ها و اشغال ساختمان های اداری» بپردازند، مداخله خواهند کرد و در عین حال بر انجام یک رشته از توافق ها، از جمله توافق امنیت جمعی تأکید نمود. چند اقدام مشخص در صورت وجود تهدید برای «ثبات»، در سال ۲۰۱۰ به این توافق افزوده شده بود. این مفهوم مبهم میدان مانور قابل توجهی برای مسکو باقی می گذارد که به هر حال در اوکراین نشان داده که مانند قدرت های دیگر، هنگامی که منافع اساسی خود را در خطر ببیند، در زیرپا گذاردن حقوق بین المللی تردید نخواهد کرد.

عامل دیگر بی اعتمادی، مشکلات اپوزیسیون است. در حالی که در ارمنستان آقای پاشینیان به انقلاب آن کشور چهره و تصویر مشخصی داده بود – که مخاطبی برای مسکو به حساب می آمد -، اعتراضات در بلاروس رهبر مشخصی ندارد. فزون براین، مسکو نسبت به «شورای هماهنگی» بدگمان است و نمی داند که آیا در رودرویی با قدرت حاکم جان به در می برد یا نه. ۶ تن از ۷ عضو این شورا در بلاروس تحت تعقیب و بازداشت هستند و یا به لیتوانی، اوکراین و لهستان – ۳ کشور دشمن روسیه- پناه برده اند. (مطلب «بلاروس: جوانان در صف اول اعتراض» را بخوانید. به علاوه، در طول کارزار انتخابات ریاست جمهوری، در مورد مسایل امنیتی اختلافاتی در میان مخالفان به وجود آمد. آقای ویکتور باباریکو، مدیر بانکی که سهام عمده آن در اختیار غول روسی

«گاز پرموبانک» است و به عنوان نزدیکترین نامزد به کرملن شناخته می شود، گفته بود: «خواهان این است روزی ببیند که بلاروس کشوری بیطرف شده است». چنین چشم اندازی از نظر مسکو که می خواهد سپری بین روسیه و ناتو وجود داشته باشد، به شدت ناپسند است و نمی خواهد که بلاروس به صورت یک سوئیس درآید. خانم تیخانوفسکایا و دیگر مخالفان در این مورد موضعی مبهم دارند. به ویژه، اپوزیسیون در صورت در تنگنا قرار گرفتن می تواند بیشتر به سوی اروپایی ها رو آورد. پس از رفع انسداد کمک روسیه، پاول لاتوشکو، وزیر پیشین که اکنون عضو مدیریت شورای هماهنگی است، خواستار تعهد اتحادیه اروپا در مورد یک برنامه کمک «۳ تا ۴ میلیارد دلاری» مشروط به انتقال قدرت به اپوزیسیون شد که دستکم دوبرابر بیش از میزان کمک روسیه است. همان روز، کمیسیون اروپا رسماً از به رسمیت شناختن آقای لوکاشنکو به عنوان رئیس جمهوری مشروع بلاروس خودداری کرد و این موضع مورد حمایت و اشنگتن نیز قرار گرفت.

کرملن آن چنان که ادعا می کند در موضع مساعد نیست. بدگمانی نسبت به اپوزیسیونی که به فروش آمده و اطمینانی نسبت به آن نیست، مسکو را وامی دارد که از رژیم متزلزل حمایت کند. آقای پوتین توسعه بالقوه یک بحران سیاسی در مرزهای خود – که با بحران پیشین در اوکراین و نیز بحران ارمنستان متفاوت است – را ارزیابی می کند. با آن که بهم پیوستن دو کشور هدف دراز مدت روسیه است، امروز فشردن دست آقای لوکاشنکو خطر از دست دادن مردم بلاروس را دربر دارد... و ممکن است احساسات ضد روسی ای را برانگیزد که در حال حاضر در جنبش مردمی وجود ندارد. بنابراین، «انقلاب» خطر این را دربر دارد که دیگر تنها دموکراتیک نبوده، بلکه ژئوپولیتیک هم بشود.

۲- Lire Jean de Glinasty, « Un tournant dans la diplomatie française ? », Le Monde diplomatique, décembre 2019.

۳- مقاله «سرکشی مینسک در مقابل برادربزرگتر روسیه»، لوموند دیپلماتیک، ژوئن

۲۰۱۷ <https://ir.mondediplo.com/2017/06/article2794.html>

۴- Jacques Miniane, « Using good times to build resilience » (PDF), Fonds monétaire international, 6 novembre 2018.

۵- Cf. Ioulia Shukan, « La Biélorussie après la crise ukrainienne : une prudente neutralité entre la Russie et l'Union européenne ? » (PDF), Études de l'Institut de recherche stratégique de l'École militaire, no 50, Paris, 2017.

HELENE RICHARD